

کوتاه از دیپلماسی

رایزنی آمریکا با اسرائیل درباره ایده توافق موقت با ایران

● ایسنا: منابع مطلع آمریکایی و اسرائیلی می‌گویند مشاور امنیت ملی آمریکا اخیرا با مشاور امنیت داخلی اسرائیلی گفت‌وگوی درباره توافق موقتی با ایران به منظور ایجاد فرصت بیشتر برای مذاکرات احیای توافق هسته‌ای در وین انجام داده و با مخالفت همتای اسرائیلی مواجه شده است.
به گزارش تایمز آو اسرائیل، طبق گزارشی در روز چهارشنبه، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، با ایال هولندا، مشاور امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، درباره توافقی موقت با ایران به منظور ایجاد فرصتی بیشتر برای مذاکرات احیای توافق هسته‌ای در وین، گفت‌وگو کرده است. پایگاه خبری آمریکایی اکسیوس گزارش داده است دو منبع مطلع آمریکایی گفته‌اند سالیوان و هولتا صرفا «ایده‌هایشان را مطرح می‌کردند» و این پیشنهاد در اصل از طرف یک متحد اروپایی نام برده‌نشده آمریکا مطرح شده است. این منابع مطلع گفته‌اند بر اساس ایده مطرح‌شده، ایران باید فعالیت‌های غیرمجاز هسته‌ای‌اش، ازجمله غنی‌سازی ۶۰درصدی را در ازای آزادسازی بخشی از پول‌های بلوکه‌شده‌اش از طرف آمریکا و متحدانش یا اعمال معافیات از تحریم‌ها برای کالاهای بشردوستانه متوقف‌کند. اکسیوس به نقل از یک مقام رسمی اسرائیلی آورده است هولتا به سالیوا گفته مخالف این ایده است و اسرائیل نگران این است که هرگونه توافق موقتی، دائمی شود و به ایران اجازه دهد زیرساخت هسته‌ای و ذخایر اورانیومی را که انباشته است، حفظ کند. هولتا مخالفت خود را با این پیشنهاد به اطلاع ارباب‌ر مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران نیز رسانده است.

اعلام جرم و تحریم جدید آمریکا علیه چند ایرانی

● ایلنا: وزارت دادگستری آمریکا دو شهروند ایرانی را به تلاش برای تأثیرگذاری بر انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا متهم کرده و علیه آنها اعلام جرم کرد. این دو شهروند ایرانی به نام‌های «سیدمحسن حسین موسی‌کاظمی» و «سجاد کاشیانی» به تلاش برای دخشه‌دادن درکرد اعتماد رأی‌دهندگان آمریکایی متهم شده و در یک دادگاه فدرال در مونتسن علیه آنها کیفرخواست صادر شده است. ساعاتی پیش از آن، وزارت خزانه‌داری آمریکا این دو فرد به همراه چهار شخص حقیقی دیگر و یک نهاد ایرانی را به بهانه تلاش برای تأثیر گذاشتن بر انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده تحریم کرد.

هشدارهای تند فرانسه در آستانه جلسه شورای حکام

● ایسنا: ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه، روز جمعه در گفت‌وگویی با روزنامه فرانسوی لوموند، درخصوص ازسرسرگیری مذاکرات وین گفت: «اوبن کاری که باید انجام دهیم این است که ببینیم مذاکرات از آنجایی که در ماه ژوئن با دولت پیشین ایران رها شده بودند، از سر گرفته خواهند شد یا نه». وی افزود: «اگر این مذاکرات ساختگی باشد، برنامه جامع اقدام هسته‌ای را بوج قلمداد خواهیم کرد». لودریان گفت: مذاکرات ۲۹ نوامبر با تهران موضع ما در درباره مذاکرات هسته‌ای مشخص خواهد کرد. از سوی دیگر سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در کنفرانسی خبری خواستار بازگشت بدون تأخیر ایران به اجرای کامل برجام شد. به گزارش رویترز، آنه کلر لجندر، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه، در کنفرانسی خبری به خبرنگاران گفت: «ایران باید بدون تأخیر به تمامی تعهدات و وظایفش در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عمل کند، به همکاری با آژانس ادامه دهد و به اجرای کامل برجام بازگردد». او افزود: «شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای باید به ارسال پیامی قاطع به ایران در این زمینه کمک کند». سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه، در واکنش به این اظهارات گفت: «جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عضو مسئول آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، همواره تأکید دارد که حیثیت آژانس به‌عنوان یک نهاد فنی و تخصصی سازمان ملل متحد باید از شائبه هرگونه رفتار و کنش سیاسی به دور باشد».

خطیب‌زاده: امضای رئیس‌جمهور آمریکا قابل اتکا نیست

● ایلنا: سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه، درخصوص شرایط بازگشت آمریکا به برجام گفت: «برداشتن موثر، یکجا و قابل‌راستی‌آزمایی تحریم‌ها، شرط بازگشت آمریکا به برجام است و این تمامی هدف ما از گفت‌وگوها در وین است». او ادامه داد: «اگر آمریکا با همین رویکرد وارد گفت‌وگوها در وین شود و آمادگی برداشتن تحریم‌ها به صورت یکجا و قابل‌راستی‌آزمایی را داشته باشد، قطعاً توافق در کوتاه‌ترین زمان قابل دسترسی است». سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: «البته ما تضمین‌هایی می‌خواهیم که آمریکا مجدداً حقوق بین‌الملل را به سرخه نخواهد گرفت». خطیب‌زاده تأکید کرد: «ایالات متحده به شمول دولت فعلی آمریکا نشان داده که نمی‌تواند پستی‌تواند پایبند باشد و امضای رئیس‌جمهور آمریکا، آن‌چنان که ادعا می‌کند، قابل اتکا و ارزش نیست؛ بنابراین طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران و تیم مذاکره‌کننده بر اخذ تضمین‌های لازم تأکید داشته باشد».

گفت‌وگوی «شرق»

آمریکا در سیاست خارجی نگاه آرمانی ندارد

طالبان نه در داخل دستور سیاسی دارد و نه در خارج پذیرش سیاسی



شرق: مسئله افغانستان به‌عنوان یک همسایه، همواره مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار در صحنه سیاست خارجی ایران بوده است و از ابتدای قرن جاری، اتفاقات بزرگ متعددی صحنه سیاسی این کشور را دچار تحولات اساسی کرده است؛ اتفاقاتی که هرکدام میز را به هم ریخته و بازی را دوباره چیده‌اند. تازه‌ترین نسخه این صحنه سیاسی پر آشوب، یورش گروه تروریستی طالبان به شهرها و پایتخت این کشور، گریز رئیس‌جمهور قانونی افغانستان، شکل‌گیری جبهه مقاومت ملی در پنجشیر و اعلام دولت موقت خودخوانده از سوی طالبان بوده است. برای مرور وضعیت فعلی و گزینه‌های پیش‌رو برای افغانستان، ایران و روابط بین دو کشور، «شرق» گفت‌وگویی با وزیر خارجه سابق، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، معاون سابق دبیر کل سازمان همکاری‌های اسلامی و رئیس فلی فرهنگستان علوم ایران کرده است. قرائت متفاوت و درخور توجه صالحی از ماجرا این است که طالبان مسیر رسیدن به قدرت را عملاً نه با جنگ طی کرد و نه با مذاکره و اکنون نیز در واقع عنان قدرت را در دست ندارد. او البته علاوه بر تحلیل‌هایش به‌عنوان دیپلمات سابق، از منظر جایگاه فعلی خود، یعنی رئیس فرهنگستان علوم نیز ایده‌هایی برای نحوه مواجهه این دو همسایه با وضعیت کنونی افغانستان دارد.

وزیر خارجه سابق ایران، علی‌اکبر ساجدی، در جریان گفت‌وگو با «شرق»

پرسش مهم و بجایی است. نخست آنکه «حکمرانی خوب» در دنیای کنونی دیگر یک رویه و تجربه نیست، بلکه خود شعبه‌ای از دامنه علوم است که نتایج آن در دانشمندان وسیع‌تری به خود گرفته می‌شود یا انجام عملیات خشونت‌بار تروریستی انتحاری‌ها از سوی آنچه داعش نام گرفته است، نشان از فروریختن همان قوه به ظاهر یکپارچه قومی-سیاسی آن بخش از جامعه پشتون‌نبارها دارد که قدرت سیاسی را در قبضه گرفته‌اند.

● شما در ارزیابی‌ی‌از واقعیت‌تجارب دیپلماتیک و سیاسی خود را به یاری گرفتید و به‌عنوان یک عضو فرهنگستان چنین نتیجه گرفتید که «سهام‌دادن در قدرت سیاسی راه برون‌رفت در آینده سپهر سیاست افغانستان نیست بلکه مشارکت‌پذیری اجتماعی است که در این دوران گذار را فراهم آورد». آیا این سخن به معنای آن است که یک ساختار علمی چون فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران مصمم است در این مسیر ایده‌پردازی کند؟

افشار متونع جامعه افغانستان، چه در قالب سنتی آن، لویی جرگه، یا در اشکال مدرن آن همچون انتخابات، اسباب دغدغه جدی دولتمردان طالبان شده است. مجموعه این شرایط سبب شد طالبان به‌عنوان یک نظام برآمده فاقد دستور سیاسی در داخل و پذیرش سیاسی در خارج بماند.

● تعبیر جناب‌عالی آن است که دولت‌گذشته ناخواسته قدرت را وانهاد و طالبان نیز ناخواسته قدرت را به دوش گرفت. اگر چنین است، استمرار این وضعیت چه حاصلی دارد و بر راه رفتن از این وضعیت چگونه خواهد بود؟ آیا این تحولات «ناخواسته» برای منطقه و همسایگان ناپایداری ایجاد خواهد کرد؟

بله، این تحول و جابه‌جایی قدرت کاملاً «ناخواسته» گریبان دو طرف را گرفت. تنش‌های داخلی خود هیئت‌مدیره طالبان در هفته‌های نخست پس از کسب قدرت را باید به منزله کودتاهای پیاپی دانست که هنوز نتوانسته است چهره و ترکیب واقعی طالبان را نشان دهد و چه‌سپاس‌مکان نیز ادامه داشته باشد. اما درباره «خواسته»بودن این تحولات برای آمریکا تردید کمتری دارم. به‌واقع بخش تصمیم‌گیر در هیئت حاکمه آمریکا خواستار آن بود که از افغانستان خارج شود و در نظر داشت شرایط ناپایدارتری را ایجاد کند که هزینه‌های تازه‌ای را متوجه رقبای آسیای‌اش کند. بی‌ثباتی در افغانستان فقط دامن‌گیر مردم آن کشور نخواهد شد، بلکه اثرات و عوارض آن به‌زودی عمدتاً در کشمیر هند، ترکستان شرقی چین، پختون‌خواه و وزیرستان پاکستان، مرزهای جنوبی آسیای مرکزی همچون وادی زرافشان و فرغانه و به‌تبع آن روسیه و… در اشکال متونعی از اسلام‌گرایی، ناسیونالیسم، قوم‌گرایی و غیرمعتطف و آبی‌خون‌آلود با سلاح بی‌ثباتی بود که بازگشت خود به قدرت را متأثر از یکی از آن‌ها توسعه اقتصادی همه رقبای آسیای آمریکا اثر وضعی می‌گذارد و هزینه‌های امنیتی کشورهای منطقه اعم از دوستان و متحدان تا منتقدان و دشمنان آمریکا را به‌شدت افزایش می‌دهد. طبیعی است با این ارزیابی باید هم‌سخن با شما به راهی برای «برون‌رفت» و نتاج هم‌نام‌گذاشتن این سیاست اندیشید. اکنون به نظر چنین می‌رسد که دیگر نمی‌توان با تظاهرات و توصیه‌ها درباره مسائل افغانستان سخن گفت.

در مقیاس ملی باید ایده‌های خلاقانه و ابتکارات همه‌جانبه‌ای را به کار بست تا در دل واقعیت‌ها الگوی قابل‌قبولی دست یافت که کمکی باشد برای گذار از این دوران بُریحران برای افغانستان. در این زمینه باید پیشگام آن شد که همه اقوام و شعبات جامعه افغانستان برای «مشارکت در آینده کشورشان» سهم گیرند. آن‌هم سهم سیاسی. البته باید توجه داشت که حکومت برآمده طالبان علی‌الظاهر یکپارچه‌ترین ترکیب قومی-سیاسی جامعه پشتون را برای این کشور طی نیم‌قرن اخیر نمایندگی می‌کند. با این‌همه، رقابت سخت درون پوسته قدرت میان ذُرّانی‌ها و غلجایی‌های، به تعبیری مشرقی‌ها و جنوبی‌ها یا به بیانی دیگر تفکر «ملا برداری» و «ملا حقانی» نزد همه مشهود و توأم با خشونت‌ورزی عریان است. سرریز چنین وضعیتی سبب شده به‌همان میزان که «ساختار» چندپارچه‌ای در «سازمان» حکومت هم دچار آشفتگی شود. در این زمینه دستورالعمل‌های پیاپی برای اجتناب از اقدامات

دیپلماسی

گفت‌وگوی «شرق» با علی‌اکبر ساجدی، وزیر خارجه اسبق در باره چشم‌انداز وضعیت افغانستان

آمریکا در سیاست خارجی نگاه آرمانی ندارد

طالبان نه در داخل دستور سیاسی دارد و نه در خارج پذیرش سیاسی

خودسرانه از سوی نیروهای طالبان که توسط والیان و فرماندهان آنها صادر می‌شود یا انجام عملیات خشونت‌بار تروریستی انتحاری‌ها از سوی آنچه داعش نام گرفته است، نشان از فروریختن همان قوه به ظاهر یکپارچه قومی-سیاسی آن بخش از جامعه پشتون‌نبارها دارد که قدرت سیاسی را در قبضه گرفته‌اند.

● شما در ارزیابی‌ی‌از واقعیت‌تجارب دیپلماتیک و سیاسی خود را به یاری گرفتید و به‌عنوان یک عضو فرهنگستان چنین نتیجه گرفتید که «سهام‌دادن در قدرت سیاسی راه برون‌رفت در آینده سپهر سیاست افغانستان نیست بلکه مشارکت‌پذیری اجتماعی است که در این دوران گذار را فراهم آورد». آیا این سخن به معنای آن است که یک ساختار علمی چون فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران مصمم است در این مسیر ایده‌پردازی کند؟

پرسش مهم و بجایی است. نخست آنکه «حکمرانی خوب» در دنیای کنونی دیگر یک رویه و تجربه نیست، بلکه خود شعبه‌ای از دامنه علوم است که نتایج آن در دانشمندان وسیع‌تری به خود گرفته می‌شود یا انجام عملیات خشونت‌بار تروریستی انتحاری‌ها از سوی آنچه داعش نام گرفته است، نشان از فروریختن همان قوه به ظاهر یکپارچه قومی-سیاسی آن بخش از جامعه پشتون‌نبارها دارد که قدرت سیاسی را در قبضه گرفته‌اند.

● شما در ارزیابی‌ی‌از واقعیت‌تجارب دیپلماتیک و سیاسی خود را به یاری گرفتید و به‌عنوان یک عضو فرهنگستان چنین نتیجه گرفتید که «سهام‌دادن در قدرت سیاسی راه برون‌رفت در آینده سپهر سیاست افغانستان نیست بلکه مشارکت‌پذیری اجتماعی است که در این دوران گذار را فراهم آورد». آیا این سخن به معنای آن است که یک ساختار علمی چون فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران مصمم است در این مسیر ایده‌پردازی کند؟

افشار متونع جامعه افغانستان، چه در قالب سنتی آن، لویی جرگه، یا در اشکال مدرن آن همچون انتخابات، اسباب دغدغه جدی دولتمردان طالبان شده است. مجموعه این شرایط سبب شد طالبان به‌عنوان یک نظام برآمده فاقد دستور سیاسی در داخل و پذیرش سیاسی در خارج بماند.

● تعبیر جناب‌عالی آن است که دولت‌گذشته ناخواسته قدرت را وانهاد و طالبان نیز ناخواسته قدرت را به دوش گرفت. اگر چنین است، استمرار این وضعیت چه حاصلی دارد و بر راه رفتن از این وضعیت چگونه خواهد بود؟ آیا این تحولات «ناخواسته» برای منطقه و همسایگان ناپایداری ایجاد خواهد کرد؟

بله، این تحول و جابه‌جایی قدرت کاملاً «ناخواسته» گریبان دو طرف را گرفت. تنش‌های داخلی خود هیئت‌مدیره طالبان در هفته‌های نخست پس از کسب قدرت را باید به منزله کودتاهای پیاپی دانست که هنوز نتوانسته است چهره و ترکیب واقعی واقعی طالبان را نشان دهد و چه‌سپاس‌مکان نیز ادامه داشته باشد. اما درباره «خواسته»بودن این تحولات برای آمریکا تردید کمتری دارم. به‌واقع بخش تصمیم‌گیر در هیئت حاکمه آمریکا خواستار آن بود که از افغانستان خارج شود و در نظر داشت شرایط ناپایدارتری را ایجاد کند که هزینه‌های تازه‌ای را متوجه رقبای آسیای‌اش کند. بی‌ثباتی در افغانستان فقط دامن‌گیر مردم آن کشور نخواهد شد، بلکه اثرات و عوارض آن به‌زودی عمدتاً در کشمیر هند، ترکستان شرقی چین، پختون‌خواه و وزیرستان پاکستان، مرزهای جنوبی آسیای مرکزی همچون وادی زرافشان و فرغانه و به‌تبع آن روسیه و… در اشکال متونعی از اسلام‌گرایی، ناسیونالیسم، قوم‌گرایی و غیرمعتطف و آبی‌خون‌آلود با سلاح بی‌ثباتی بود که بازگشت خود به قدرت را متأثر از یکی از آن‌ها توسعه اقتصادی همه رقبای آسیای آمریکا اثر وضعی می‌گذارد و هزینه‌های امنیتی کشورهای منطقه اعم از دوستان و متحدان تا منتقدان و دشمنان آمریکا را به‌شدت افزایش می‌دهد. طبیعی است با این ارزیابی باید هم‌سخن با شما به راهی برای «برون‌رفت» و نتاج هم‌نام‌گذاشتن این سیاست اندیشید. اکنون به نظر چنین می‌رسد که دیگر نمی‌توان با تظاهرات و توصیه‌ها درباره مسائل افغانستان سخن گفت.

در مقیاس ملی باید ایده‌های خلاقانه و ابتکارات همه‌جانبه‌ای را به کار بست تا در دل واقعیت‌ها الگوی قابل‌قبولی دست یافت که کمکی باشد برای گذار از این دوران بُریحران برای افغانستان. در این زمینه باید پیشگام آن شد که همه اقوام و شعبات جامعه افغانستان برای «مشارکت در آینده کشورشان» سهم گیرند. آن‌هم سهم سیاسی. البته باید توجه داشت که حکومت برآمده طالبان علی‌الظاهر یکپارچه‌ترین ترکیب قومی-سیاسی جامعه پشتون را برای این کشور طی نیم‌قرن اخیر نمایندگی می‌کند. با این‌همه، رقابت سخت درون پوسته قدرت میان ذُرّانی‌ها و غلجایی‌های، به تعبیری مشرقی‌ها و جنوبی‌ها یا به بیانی دیگر تفکر «ملا برداری» و «ملا حقانی» نزد همه مشهود و توأم با خشونت‌ورزی عریان است. سرریز چنین وضعیتی سبب شده به‌همان میزان که «ساختار» چندپارچه‌ای در «سازمان» حکومت هم دچار آشفتگی شود. در این زمینه دستورالعمل‌های پیاپی برای اجتناب از اقدامات

سال نوزدهم • شماره ۴۱۴۸ • روزنامه **شرق**

ادامه از صفحه اول

قصه برغصه مهاجران افغان

مهاجری که از افغانستان به ایران آمده و تصفیه‌حساب کرده است، اگر بخواهد به ترکیه برود، باید ۱۴ میلیون تومان به اضافه هر روز ۲۰۰ هزار تومان «جرمانه» تا زمانی‌که تصفیه حساب کند به قاچق‌بره‌ها بپردازد؛ با این چرخه پرسود قاچاق‌بر هر روز دامنه وسیع‌تری به خود گرفته است. اوایل سقوط کابل و فرار اشرف‌غنی گروه‌هایی از مردم افغانستان فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند که پشتون‌زبان نبودند و تاجیک‌ها، هزاره‌ها و حتی اوزبک‌ها جزء اقلیت‌های قومی‌ای بودند که تن به مهاجرت می‌دادند. زمان سقوط کابل اوج نیاز بخش‌های کشاورزی در ایران به نیروی کار ارزان افغانه بود و اکثر نیروهای ساکن در کمپ‌های نگهداری افغانه تأمین‌کننده نیروی کار بودند و کمبود نیروی مجاز افغان کاملاً محسوس بود. بعد از سقوط کابل خیل مهاجرین افغان به سوی ایران سرازیر شد که عمدتاً غیرپشتون‌زبان بودند و پشتون‌ها از وضع به وجود آمده در افغانستان راضی و احساس پیروزی می‌کردند؛ حتی جشن پیروزی همراه با رقص گرفته بودند. این احساس پیروزی چندان نپایید و خیل مهاجرین پشتون‌زبان هم به مهاجرین قبلی اضافه شد و علت آن به گفته مهاجرین هوادار طالب نبود کار و گرانی سرسام‌آور مواد غذایی و بی‌ارزش‌شدن پول رایج افغانی بود، طالبان در اقدامی حساب‌شده از همان روزهای اول دست صرافیه‌ها را باز گذاشتند و نقل و انتقال پول به افغانستان تفاوتی با دوره قبل از ورود طالبان به کابل نداشت. عمده درآمد افغانستان در شرایط موجود همین پول‌هایی است که مهاجرین افغان از اقصی نقاط دنیا برای خانواده‌های خود می‌فرستند

موج جدید هواداران طالبان به ایران و دیگر کشورها به بهانه نبود کار و شغل در افغانستان طالبان‌زده محل تأمل است. جمعیت زیادی از مهاجرین جدید افغان پس از سقوط کابل سرازیر ایران شده است و حرفه قاچاق‌بری به حرفه‌ای پرسود تبدیل شده است گفتم قاچاق‌بر از هر افغان که وارد ایران می‌کند مبلغ هشت میلیون تومان مطالبه می‌نماید و تا این مبلغ توسط مهاجر پرداخت نشود و به گفته خودشان «بندی» قاچاق‌بر هستند و به ازای هر روز ۲۰۰ هزار تومان تا زمان تصفیه کامل هزینه قاچاق‌بر از مهاجر دریافت می‌کنند و دسته دوم قاچاق‌برها، مسیر جدید ترکیه را راه‌اندازی کرده‌اند و از ایران با دریافت مبلغ ۱۵ میلیون تومان مهاجران افغان را به ترکیه می‌برند و روزی ظاهراً ۳۰۰ هزار تومان در ترکیه از مهاجرین تا تصفیه حساب هزینه قاچاق بر دریافت می‌کنند. کافی است سری به گاو‌داری‌ها و مرغداری‌های متروک بزنید و محل «بندی» قاچاق‌برها که مهاجرین افغان را تا زمان تصفیه حساب نگه‌داری می‌کنند را به عینه ببینید. موضوع مهاجرین افغان بعد از سقوط کابل به باور نگارنده جزء مسائل امنیتی کشور باید قلمداد شود سرازیرشدن افغانه به داخل کشور از سوی قاچاق‌برها و تسلط قاچاق‌برها بر جاده‌ها و رفت‌وآمد پول‌ها را باید به نفعی کنترل کرد.

اکنون که گروه‌های مختلفی در افغانستان بعد از خروج محمد اشرف‌غنی از کابل فعال شده‌اند، طالبان افغانستان، طالبان پاکستان، داعش، خراسان و دیگر گروه‌ها موقعیت را مناسب دیده‌اند و در این جبهه‌جایی جمعیتی، اهداف و برنامه‌های خود را پیش می‌برند. بر این باورم که باید فکری کرد و چرخه غیرامنیتی آموشد افغانه را حداقل بعد از ۵۰ سال از حضور مستمر افغانه در ایران کنترل کرد. دیگر نمی‌توان آمد و شد افغانه را به چشم کارگران منظر کار در بازار برونیق کار ایران دانست. اگر در گذشته بخشی از جوانان افغان به علت نبود کسب‌وکار در کشور محنت‌زده و دچار بحران افغانستان روانه ایران می‌شدند و بخش کشاورزی و دامپروری و مشاغلی مانند کار در گاو‌داری‌ها و مرغداری‌ها و سزارع و گل‌خانه‌ها پذیرای کارگران فصلی غیرعلمی محدودیت و ممنوعیت به‌کارگیری اتباع بیگانه بود و می‌شد از اردوگاه‌های مجاز کارگر مورد نیاز را تأمین کرد، امروز آموشده افغانه میسر نیست؛ زیرا با توجه به شیوع بیماری‌های مسری از دکن تا فرارود و نیز از یمن و زنگبار تا بالکان و قفقاز شمالی امیدوار باشد.

● آیا چنین ظرفیتی صرفاً در افغانستان نهفته است؟

بدیهی است در سایر نقاط دیگر هم چنین تنوعی هست اما در افغانستان کثرت بیشتر است. نتاج هم نزداهای کهن ایرانی چون اقوام تاجیک، بلوچ، پشتون، خاوری و… را داریم که نماینده ادواری متمایز از ایران باستان هستند و هم اقوام و نحلی مانند سادات عرب‌تبار، هزاره‌ها و ازبکان تورانی‌نژاد که در مسیر تاریخ قرون اسلامی وارد صحنه تمدنی ایران شدند و شکل و شمایل ایرانی را پذیرفتند. بنابراین اگر این جمعیت‌های متعدد و متنوع در الگوی یک نظام مشارکتی در مسیر ساخت افغانستان همراه شوند، تجربه «هم‌پذیری جمعی» آنان می‌تواند الگوی هم‌افزایی شعب و شاخه‌های فرهنگی - هویتی تمدن ایرانی - اسلامی به‌شمار آید. آنچه صحنه تمدنی ایران شدند علوم ملحوظ نظر خود قرار داده نیز بخشی از این رویداد است که بتوانند زمینه ارتباط گسترده را میان دانشمندان این حوزه فرهنگی - تمدنی برقرار سازد. بنابراین ارتباط با قلمروی هویتی- فرهنگی ما یک هدف‌گذاری بنیادین است که تنها با جمع آرا و نظرات همه صاحب‌اندیشه در این وادی ما می‌توانیم سهم جهانی خود در تولید علم را احراز کنیم و بالتذکی تمدنی خویش را معنا بخشیم.